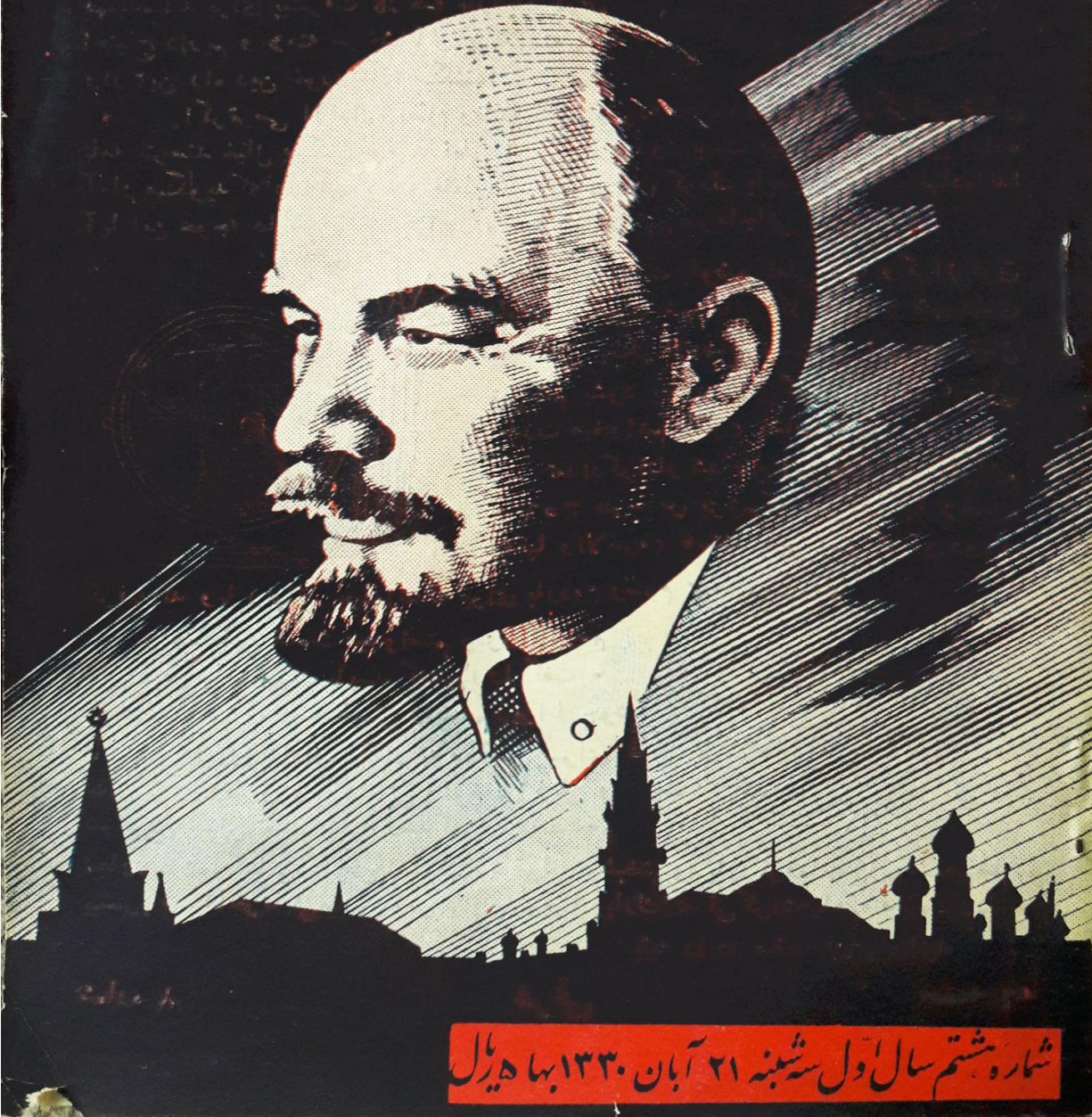


شرق

برقی بود که در فضائی تاریک خشید

دنیا را روشن کرد، یک روشنی قرمز برنگ.....



شماره هشتم سال اول سه شنبه ۲۱ آبان ۱۳۳۰ بهار ۵۱

دیجیتال کننده : نینا پویان

((انقلاب اکتبر))

از دریچه چشم يك ایرانی

اگر نخواهیم مقدمه ای بچینیم و بعد مؤخره ای درست کنیم، اگر نخواهیم مثل مدیحه سرایان عهد قاجار برای هر موضوعی، جمله پردازی کنیم و برای هر منظره ای صحنه سازیها نماییم و اگر نخواهیم از قماش آنهایی که وقتی از چیزی خوششان می آید آن را بهرش می رسانند و وقتی بدشان می آید آن را گور بگور می اندازند، باشیم، باید بی پرده و بدون مقدمه بگوئیم که وقتی «انقلاب اکتبر» در روسیه شوروی روی داد و کمونیستها بساط روسیه تزاری را بر چیدند، ملت ایران، این واقعه را باخوش بینی زاید الوصفی تلقی کرد و بهترین نمونه این خوشوقتی سبقتی است که دولت ایران در شناختن دولت شوروی نشان داد و اولین دولت وملت محسوب گردید که دست دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را فشرده و بساو تبریک گفت.

دولت ایران حق داشت که از دگرگون شدن اوضاع روسیه خوشوقت باشد.

روسیه تزاری يك دشمن سرسخت ایران بشمار می رفت و تمام ذکرش این بود که ایران را بهر صورتی که میسر است از پهای درآورد و برای اجرای وصیتنامه بطرکبیر خود را با بهای گرم خلیج فارس برساند و بخیال خود فاتحه يك کشور شش هزار ساله ای را بخواند.

مانع بزرگی که بر سر راه روسیه قرار داشت، دولت انگلیس بود که برای حفظ هندوستان راضی نمی شد که دامنه متصرفات روسیه تا خلیج فارس و بحر عمان کشیده شود و کشور زرخیز هندوستان در مخاطره قرار گیرد و برعکس کوشش داشت که تا حد امکان ایران را بصورت يك کشور مستقل نگاهدارد!

ولی این استقلال فقط ظاهری داشت و در حقیقت جنگ سردی

برای توسعه نفوذ میان انگلیس و روسیه در ایران جریان داشت که بالاخره منجر با اینجا شد که شمال منطقه نفوذ روسیه و جنوب منطقه انگلیس باشد و این عمل آنقدر وقیحانه صورت گرفت که حتی بروی کاغذ هم آمد و قرارداد ۱۹۰۷ پیمانی است که برای تثبیت چنین سیاستی بسته شد.

البته روسیه تزاری با عقد چنین پیمانی، از نقشه های خود منصرف نشد، بلکه بمقیده او این امر یکقدم بسوی مقصود بود و تصمیم روسیه بر این بود که با تطبیع زمامداران وقت، بالاخره اوضاع واحوال فراهم آورد که در موقع مقتضی نفوذ خود را تا مناطق جنوب بسط دهد و آنچه را که روزگاری بطر کبیر آرزو داشت انجام دهد.

خوشبختانه این وضع مقتضی هیچوقت پیش نیامد زیرا پس از چندی جنگ بین المللی اول روی داد و در گیر و دار جنگ، انقلاب اکتبر بوجود آمد و رژیم روسیه تزاری سرنگون گردید از این رو جای تعجب نیست اگر بگوئیم که ملت ایران با چه شور و شعفی سقوط تزارها را جشن گرفت و چه قدر خوشوقت شد که یک دولت کارگری و سوسیالیستی در این کشور روی کار آمده است.

اشعاری که شعرای ایران درباره این تحول ساختند و مقالات تحسین آمیزی که نویسندگان ایران درباره دولت جدید شوروی نوشتند هیچوقت در کشور ما سابقه نداشت و باین جهت خیلی زود مردم با سامی رهبران شوروی «انسر» گرفته و نسبت بایشان «سپاتی» نشان دادند و در بعضی نقاط دستجاتی بطرفداری ایشان خود نمائی کردند و این علاقمندی وقتی بمنتهای حد خود رسید که دولت جدید شوروی از امتیازات و ادعاهای روسیه تزاری در ایران نیز منصرف شد و در حقیقت به شالوده جدیدی روابط ایران و شوروی را بنیان نهاد.

مجبوبیتی که یکمرتبه دولت نو بنهاد همسایه شمالی در ایران بدست آورد سبب شد که دولت انگلیس اندیشناک شود و از اینککه ممکن است ایران در کنار همسایه شمالی قرار گیرد و هراسان گردد و در فکر برپا کردن دسیسه ای افتد.

این دسیسه که بصورت «کودتای ۱۳۹۹» و ظاهراً

بدست سید ضیاء الدین طباطبائی و رضاخان سردار سپه صورت گرفت ، هدف اصلیش این بود که کشور ایران را از همسایه شمالی دور نگهدارد و مردم ما را نسبت بمسلك و مرام و کشور و دولت شوروی بسد بین کند ، و اتفاقاً این توطئه آنقدر ماهرانه بازی شد که در سالهای اول ، از جانب خود شوروی نیز تقویت گردید و سیاستمداران تازه کار روسیه جدید جداً کمان می کردند که رضا خان سردار سپه يك انقلابی آزاده ای است و قصد دارد که در ایران دست باصلاحات عمیق و بردامنه ای بزند و با کشور جدید سوسیالیستی روابط صمیمانه ای برقرار کند و بر اساس همین خیال باطل بود که سوسیالیست های ایران جداً از سردار سپه حمایت کردند و سلیمان میرزا اسکندری رهبر ایشان در کابینه رضا شاه شرکت کرد و خوشوقت بود که وزیر چهل هزار سر نیزه است ...

اما این « تصورات » دیری نپایید و همینکه نقاب از چهره کودتاچیان برداشته شد ، روسیه شوروی دریافت که چقدر ماهرانه گول خورده و چطور کشور ایران را نیز در حلقه زنجیری که از فنلاند تا چین و ژاپون دور تا دور اتحاد جماهیر شوروی کشیده اند ، قرار داده اند . تا چنگ بین المللی دوم ، ایران نه تنها با روسیه شوروی ارتباطی نداشت بلکه اگر کسی ، صحبت از کار گرمی کرد یا اینکه مثل ترك های قفقازی در گیلان های بزرگ چایی می خورد بلافاصله متهم میشد و بزدان می افتاد و لی بالاخره این دوره نیز سر آمد و با ورود سر بازان شوروی با ایران طومار این ایام سیاه بهم پیچیده شد .

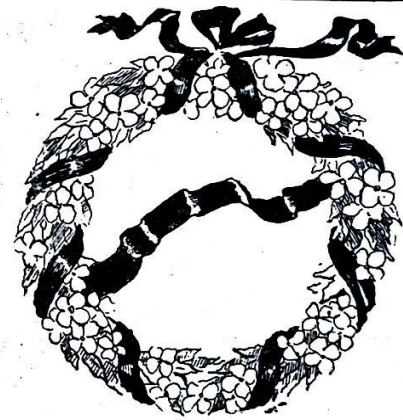
البته ، این تجدید رابطه بطرز بسیار بدی صورت گرفت زیرا هیچ ایرانی حاضر نبود و نیست که وطنش را يك دولت خارجی هر قدر هم آن دولت راه و روش پسندیده ای داشته باشد اشغال کند و حق حاکمیت ملتی را که حقا باید بر آب و خاک خود مسلط باشد محدود کند ، خوشبختانه این نکته را شوروی درک کرد و بسا عقد قرارداد سه جانبه و رفتاری که پیش گرفت ، بروش اشغالگرانه خود پایان داد و دولت ایران و شوروی صمیمانه برای از پا در آوردن دشمن مشترك ، دست بکار شدند . اما وقتی چنگ پایان یافت ، دولت شوروی براستی مارکزیده

بقیه در صفحه ۶۷

بود و دیگر از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسید، بخیال آنکه باردیگر «حریفان حبله کر» می‌خواهند او را در برابر کار انجام شده قرار دهند و میان ایران و شوروی دیوار چین برپا نمایند، به اقداماتی دست زد که چون زیاد دور نیست، تکرار آن لزومی ندارد و بازگو کردن آن ضروری نمیباشد، فقط کافی است بگوئیم که تنها يك امر ممکن بود خیال شوروی را از جانب ایران آسوده نگاهدارد و او را از هر عمل خصمانه ای نسبت به ایران بازدارد و آن این بود که دولت ایران برآستی بسایر نفوذهای بیگانه نیز در کشور خود خاتمه بدهد و نگذارد که بعضی دولت های خارجی مانند انگلیس سیاست و اقتصاد و همه چیز کشور ما را بدست بگیرند و این امری است که هم اکنون ما در کیرودار انجام آن هستیم و بهمین جهت، دولت شوروی صمیمانه ما را در این مقصود همراهی مینماید.

بدین ترتیب اگر ما «جشن اکتبر» را بهمسایه گرامی خود صمیمانه تبریک بگوئیم و این انقلاب را در رحمتی بشماریم که بروی ملت ما باز شده است سخن مدهانه آمیز نگفته ایم و ما باید امیدوار باشیم که در سالهای آینده دوستی ایران و شوروی و دولت بزرگ آن نمرات گرانبهرائی بیار آورد.

و با آنکه باید بمناسبت رسیدن سرآمدش سرسخت برهنگان این قسمت از آمار ما کامل باشد و ما را رو سفید کند معلو نیست چرا تعداد «برحمت رفتگان» آن اندازه ها زیاد نیست. شاید هم باین جهت است که ما بگوشت کیلومی ۳۰ ربال و نان سیلو و آب لوله کشی ۱ و سایر حوائج دیگر که ماشاءالله در تهران فراوانی کامل دارد عادت نرده ایم و معلوم است که آب تصفیه شده و نعمت فراوان جلوی مرگ و میر را می-گیرد.



و اما باز از مدازه آنهای دیگر را بیج تراست بارانهای ۷۵ تومانی تن ژیکولو ها و مانتوهای صد تومانی جنرال مد و خوش پوش و خوش دوز و خوش برش و خوش قیمت تن دختر خانها مد شده است و همه از جنرال مد تعریف میکنند اما يك چیز دیگر هم مد شده و آن صدور «تصویب نامه»

شرقی

شماره ۸



صفحه ۶۷